حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

در مدرسه عاشورا

ویژه نامه برنامه "در مدرسه عاشورا"
REVAGHEMIGHAT.TV

شماره ۹
شهریور ۱۴۰۰ - محرم الحرام ۱۴۴۳

در زندگی حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، یک نقطه‌ی برجسته، مثل قله‌ای که همه‌ی دامنه‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، وجود دارد و آن عاشورا است.

گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۱/۱۱/۰۶

حجت الاسلام والمسلمین نواب
نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی

شاخص‌های حزب علوی و اموی در سخنان امام حسین علیه‌السلام

حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در ویژه برنامه "در مدرسه عاشورا" که به مناسبت ماه محرم بصورت مجازی از طریق شبکه اینترنتی "در رواق میقات" برگزار شد، پیرامون شاخص‌های حزب علوی و اموی در سخنان امام حسین علیه‌السلام نکات زیر را مطرح نمودند:

شاخص‌های حزب علوی

۱. احیاگر آموزه‌های دینی

مانند امر به معروف و نهی از منکر و ... امام حسین(ع) هدف قیام را امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌فرمایند:

وَ إِنَّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي ص أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالب ع

امام حسین علیه‌السلام به طرف دشمن حمله برد در حالی‌که این رجزهای حماسی را می خواند:

أنا الحسين بن علي — اليت أن لا أنثني
أحمي عيالات ابي — أمضي على دين النبي

من حسین، پسر علی (ع) هستم، سوگند خورده‌ام که در برابر ظلم سر خم نکنم و از حریم و خاندان پدرم دفاع کنم، و بر دین نبی اکرم (ص) پایدار بمانم.

(عوالم العلوم، ج۱۷: ۲۹۲؛ بحارالانوار، ج۴۵: ۴۹)

۲. آگاه به زمان و اقتضائات آن

پس از شهادت امام حسن(ع) به صلح امام مجتبی علیه‌السلام وفادار ماند و به هواداران خود فرمود: لِيَكُنْ كل امْرئ مِنْكُمْ حلسا مِنْ احْلاس بَيْته مادامَ هذا الرَّجُل حَيّا ...

(موسوعة كلمات الامام الحسين ص ۲۰۵، ح ۱۵۲)

ولی پس از مرگ معاویه و فشار حاکمیت شبانه از مدینه خارج شد.

قال ثُمَّ طَوَى الْحُسَيْنُ الْكِتَابَ وَ خَتَمَهُ بِخَاتَمِهِ وَ دَفَعَهُ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ وَدَّعَهُ وَ خَرَجَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ.

۳. تربیت جامعه انتخاب‌گر

فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

۴. امام شهادت‌طلب است.

«وَ ما أَوْلَهَنِي إِلى أَسْلافي! إِشْتِياقَ يَعْقُوبَ إِلى يُوسُفَ وخيرَ لي مَصرَعٌ أَنا لاقيه، كَأَنّي بأوصال يَتَقَطَّعُهَا حديث عَسَلانُ الفلوات بَيْنَ النَّواويس وَكربَلاءَ» (چقدر شیفته دیدار گذشتگان خود هستم! چونان اشتیاق یعقوب به یوسف، برای من قتلگاهی اختیار شده که آن را خواهم دید، گویی می‌بینم که گرگ‌های بیابان، بندهای پیکرم را میان نواویس و کربلا). (نزهةُالناظر، ص۸۶؛ لهوف، ص۶۱؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص۳۶۶.)

۵. شکست‌ناپذیر

حمیدبن مسلم می‌گوید: «فَوَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْثُوراً قَطُّ قَدِ قُتِلَ وُلْدُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ أَرْبَطَ جَأْشاً وَ لا أَمْضَى جَنَاناً مِنْهُ «عليه‌السلام» إِنْ كانَتِ الرَّجَّالَةُ لَتَشُدُّ عَلَيْهِ فَيَشُدُّ عَلَيْهَا بِسَيْفِهِ فَتَنْكَشِفُ عَنْ يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ انْكِشَافَ الْمِعْزَى إِذَا شَدَّ فِيهَا الذِّئْبُ» (ارشاد شیخ مفید.جلد۲.ص:۱۱۱)

به خدا مَرد گرفتارَ و مَغلوبی را هرگز ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و دل‌دارتر و پابرجاتر از آن بزرگوار باشد، چون پیادگان بر او حمله می‌کردند او با شمشیر بدانان حمله می‌کرد و آنان از راست و چپش می‌گریختند چنانچه گله‌ی گوسفند از برابر گرگی فرار کنند.

شاخص‌های حزب اموی

۱. دنیاطلب هستند.

در حدیث آمده از امام علی (ع): أَيُّهَا النَّاسُ! إِيَّاكُم وحُبَّ الدُّنيا ؛ فَإِنَّها رَأسُ كُلِّ خَطيئَةٍ ، و بابُ كلِّ بَلِيَّةٍ ، وقِوامُ كل فتنَةٍ ، وداعي كل رَزِيَّةٍ. ای مردم! از دنیادوستی بپرهیزید که ریشهٔ هر خطا، و در هَرِّ بلاءَ و جفت هَرِّ فتنه، و فراخوانندهٔ هر مصیبتی است. (تحف‌العقول ص ۲۱۵)

۲. حَرام‌خوارند، حق دیگران تضییع می‌کنند.

امام در خطبهٔ اتمام حجت فرمود: ... وكِلكم عَاصٍ لأَمرِي غيرُ مُسْتَمعٍ قَوْلِي، فَقَدْ مُلِئَتْ بُطُونُكُم منَ الحَرَام وطبعَ عَلى قلوبكم. وَيْلكم، أَلا تنصتُونَ؟ أَلا تَسْمَعُون؟

۳. غوغاسالارند/ اهل تفکر نیستند:

هَمَجٌ رَعاعٌ اتباعُ كُل ناعق يَميلونَ مَعَ كُلِّ ريح لَمْ يَسْتَضيئوا بنور الْعِلْم وَ لَمْ يَلْجَؤُوا الى رُكْن وَثيق فرومایگانی بی‌اراده و سرگردان که هر دعوتی را اجابت می‌کنند و به هر طرف که باد بیاید به همان طرف می‌روند، از نور دانش روشنایی نمی‌گیرند و به پایگاه محکمی پناه نمی‌برند.

(نهج البلاغه، قصار ۱۴۷)

در دعوت امام به سکوت برای اتمام حجت ساکت نشدند.

فاستنصَتَهم فأبَوا أنْ يَنصتوا حتّى قال لهم: ويْلكم ما عليكم أنْ تُنْصتُوا لِي فتَسْمَعُوا قَوْلي، وَإنّما أدعُوكم إلى سبيل الرشَاد.

۴. تحریف گر معارف دینی و ازبین‌برنده آن

فَسُحقا لكم يا عَبيدَ الامَّة، و شرارَ الأحزاب، و نَبَذَةَ الكتاب،(کنار گذاشتکان قرآن) و مُحَرِّفي الكَلِم ، و عُصبَةَ الآثام، و نَفَثَةَ الشيطَان، و مُطفئي السُّنَن،

۵. سفاک و خون‌ریز

و قَتَلَةَ أولاد الأنبياء ومؤذي المؤمنين، وصُرَّاخَ أئمّةَ المستهزئين.... این خط ترور و حذف رقیب از صحنه کار ستمگران همیشه تاریخ بوده روش دینی گفتگو و درک متقابل است که فرمود: فَبَشِّرْ عباد الذينَ يَسْتَمِعُونَ القَوْلَ فيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أولئك الذينَ هداهُمُ الله وَ أولئك هُمْ أولوا الأَلباب) (زمر: ۱۸)

انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است." (صحیفه امام؛ ج۱۷، ص ۴۸۲)

حجت الاسلام و المسلمین استاد محسن قرائتی:

آیات قرآن را با قیام امام حسین(ع) گره بزنیم.

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی در نشست های تخصصی «در مدرسه عاشورا» که به صورت مجازی از شبکه تلویزیون رواق میقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت برگزار شد، گفت: می‌خواهیم آیات قرآن را با قیام امام حسین (ع) گره بزنیم. در منبرهای ما ضمن اینکه عزاداری هست، کمی هم بتوانیم اگر خدا بر ما منت بگذارد با همین ذره سواد و بیانی که داریم کمی قرآن را از محجوریت بیرون بیاوریم، ازاین‌رو ما یک جزوه‌ای نوشتیم به اسم قرآن و امام حسین، شاید ده سال پیش بود، بحث‌هایی که به کربلا می‌خورد، برای مثال بحث هجرت، چون امام حسین هجرت کرد و به کربلا آمد، بحث صبر، بحث مبارزه با طاغوت، بحث شهادت، بحث اخلاص، بحث سخت‌ترین شرایط انسان از خداوند راضی باشد، رضاً برضاک و معبوداً. ده پانزده سال پیش یک جزوه کوچکی را چاپ کردیم و در اختیار گذاشتیم؛ عزیزان و همکاران ما می‌توانند آن را ببینند، از من نیست بلکه از قرآن است.

دو سال پیش تحت عنوان «نهضت حسینی در پرتو قرآن» یعنی دیدم که خیلی از روضه‌هایی که می‌خوانیم می‌توانیم با قرآن تطبیق بدهیم، بیست سی تا از روضه‌ها را تطبیق دادیم که این هم می‌تواند نمونه‌ای برای عزیزانی باشد که می‌خواهند بحث‌هایشان قرآنی باشد؛ البته در اصل قرآن و روایات است.

برای مثال مسأله علی اصغر (ع)، ما خواسته باشیم لابلای تفسیر قرآن روضه علی اصغر بخوانیم، حالا من این راه را خداوند پیش پایم گذاشته است که هم برای عزیزان بیان می‌کنم و هم چاپ کرده‌ام. به فرعون گفتند که امسال یک زن پسر می‌زاید، این بچه وقتی بزرگ شود تو را نابود می‌کند؛ فرعون گفت ما می‌توانیم حل کنیم، هر زنی پسر زائید آن را می‌کشیم، مادر موسی پسر زائید، طبق معمول طرفداران فرعون می‌ریزند که بچه را بکشند، ما می‌خواهیم این بچه را از مادر جدا کنیم؛ می‌خواهم روضه علی اصغر بخوانم، علی اصغر را می‌خواهیم از رباب جدا کنیم، خداوند در قرآن می‌گوید که برای اینکه این بچه را از مادر جدا کنیم، پنج شش قلاب انداختیم تا این مادر را نگه داریم، یعنی پنج شش جرثقیل و منجنیق و طناب، با چند طناب این مادر را نگه داشتیم.

طناب‌ها این است، یک، و اوحی الی ام موسی، ما به مادر موسی وحی کردیم؛ یعنی این مادر موسی را به امدادهایی غیبی وصل کردیم؛ از غیب به او رهنمود دادیم؛ دوم اینکه و ربطنا علی قلبها، قلب این مادر را با خودمان ارتباط دادیم، به قدرت بی‌نهایت گره خورد، به او وحی شد؛ سوم اینکه، انا رادوها الیک، گفتیم این بچه را در جعبه به دریا بیانداز، ما به سوی تو باز می‌گردانیم، چهارم اینکه و جاعلوه الی المرسلین، قرآن می‌گوید پیغمبرش هم می‌کنیم. پس، اوحی، ربطنا، انا رادوه، جاعلوه.

پس وقتی می‌خواهید یک بچه را از مادر جدا کنیم، با این ابزار جدا می‌کنیم، اما علی اصغر را در روز عاشورا چطور از رباب گرفتیم؟ آیا به رباب وحی شد؟ اوحی الی رباب؟ نه، به رباب وحی نشد؛ و ربطنا علی قلبها، خدا قول داد که دل رباب را برای خودش نگه دارد؟ نه، به رباب گفتند که علی اصغر را بده و سالم باز می‌گردانیم؟ نه، گفتند علی اصغر را پیغمبر می‌کنیم؟ نه

این خیلی در ماجرای کربلا مهم است، تازه چقدر تفاوت است بین موسی که در آب انداختند و علی اصغر؛ یکی در آب بود و یکی در خون؛ فرق می‌کند؛ یکی روبروی مادر بود یکی در غیاب مادر؛ این مسأله مهمی است؛ ما می‌توانیم ضمن اینکه قرآن می‌گوید ما معانی قرآن را به اندازه فهم و درکمان باز می‌کنیم،

می‌توانیم روضه‌ها را هم رنگ و بوی اینطوری بدهیم، رنگ امام حسین بدهیم، و هر چه بتوانیم از قرآن برای تبلیغات خود استفاده کنیم خوب است، موعظه هم می‌خواهیم بکنیم از آیات قرآن استفاده کنیم؛ می‌خواهیم تاریخ بگوییم، تاریخ قرآن را بگوییم که خاطرمان جمع باشد که صد در صد سالم است؛ تاریخ‌های دیگر ممکن است راست و ممکن است دروغ باشد. می‌خواهیم استدلال بیاوریم، استدلال های قرآنی بیاوریم، می‌خواهیم ضرب المثل بزنیم، ضرب المثل‌های قرآن را بیاوریم؛ یعنی ما می‌توانیم صبغت الله، کارهایمان رنگ خدایی داشته باشد؛ سر بریده امام حسین برای ما پیام داشت؛ یعنی سرم از تنم جدا شد، اما سرم از قرآن جدا نشد.

خود امام حسین از مکه که حرکت کرد، به سمت کربلا آمد، قدم به قدم مدام قرآن می‌خواند، یعنی آیاتی مناسب هجرت و حرکت و حرکت خود را لابلای قرآن می‌گفت، گاهی از حضرت یحیی می‌گفت که چطور سرش را بریدند، گاهی آیاتی که می‌خواند مدام به اصحابش می‌گفت که ما داریم به قتلگاه می‌رویم؛ یعنی مدام تذکر قرآنی می‌داد. زینب کبری در کوفه سخنرانی کرد، پر از آیه قرآن، یک زیارت غدیریه داریم، شاید بیست صفحه باشد، چند برابر دعای کمیل است؛ اصلاً امام که زیارت می‌کند می‌گوید السلام علیک، به امیر المؤمنین می‌گوید که سلام بر تو، تو بودی که آیه قرآن می خواندی یعنی ما می‌توانیم فضای قرانی ایجاد کنیم، اول اینکه قرآن شیعه و سنی ندارد، دوم اینکه قرآن در همه خانه‌ها هست، سوم اینکه خدا قول داده است که قرآن را حفظ کند، انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون، این هم نگفته است لحافظون، گفته له لحافظون، فقط او حفظ می‌کند از این رو روایت جعلی خیلی داریم و باید تشخیص داد، در حوزه ها کارشان این است که این روایت معتبر یا غیر معتبر است، ضعیف یا قوی است؛ سندش چطور است.

بعد هم استدلال‌های قرآن شفاف و روان است، ما باید نهضت حق امام حسین را شفاف بیان کنیم این لطفی است که خداوند به امام حسین کرد، آیاتی که مناسب است این است؛ و رفعنا لک ذکرک؛ حالا من دو سه تا از آیات قرآن را هم اینجا برایتان بگویم. برای مثال واذکر فی الکتاب ابراهیم؛ آیات قرآن است؛ پیامبر خاطره ابراهیم را زنده نگه دارد؛ خب واذکر فی الکتاب امام حسین، چون ابراهیم نیت کرد از بچه خود بگذرد، اما امام حسین هم نیت کرد و هم گذشت. حضرت ابراهیم فقط چاقو دید، خون ندید، اما امام حسین خون دید، آن هم روی دستش، علی اصغر، پس اگر در قرآن می‌گوید اذکر فی الکتاب ابراهیم، معنایش این است که اذکر فی الکتاب امام حسین؛ اگر در قرآن می‌گوید اذکر فی الکتاب مریم، یعنی اذکر فی الکتاب زینب. و رفعنا لک ذکرک، خداوند به پیامبر می‌گوید که ما نام تو را بلند قرار می دهیم، هیچ کسی از پیامبران و ائمه ما به اندازه امام حسین مرید ندارد؛ و کسانی هم که خدا و کارهای مسجد و برنامه‌های مسجد، این ها را جذب نمی‌کند، باز امام حسین از عقب قافله می‌آید و این‌ها را جمع می‌کند؛ یعنی ملحق می با خدا رفیق شدند؛ اینطور است. ما سعی کنیم در هر جلسه‌ای یکی دو آیه قرآن را بخوانیم؛ اینطور نا مقتل و مصیبت پر باشد و قرآن نباشد؛ نمی‌گویم آن‌ها نباشد؛ می‌گویم به قرآن که منبر ما از تاریخ، حدیث، هم سهم بدهید؛ قرآن خیلی مظلوم است؛ شب قدر قرآن شب قدر فرستادیم، پس شب قدر شب قرآن است، اما بخوانند، من هم می‌خوانم، اما نباید عزیزان ما چقدر برای درس‌هایی کمتر کسی باشد، بیست سی هزار که پنج نفر پیدا کنید که یک دور تفسیر سیاسی ما از قرآن باشد. جمعه بازاری با طبل و دهل خطبه می‌خواند؛ یک نماز جمعه را می‌شنیدند، نشسته‌اند خطبه‌های صدای طبل را شنیدند می‌گوید تا نمی‌گوید ترکوها، می رفتند؛ نمی‌گوید خطبه را رها نمی‌کند که چرا نماز کردید؟ می‌گوید رهبرتان را تنها ما از این ترکوک جنس آوردند که بفروشند، مردم هم تا صدای طبل شنیدند قرآن بلند شدند و به سراغ خرید گوید و ترکوک، کردند، قرآن کله جمعه را رها ترکوک، گذاشتید؛ قائما

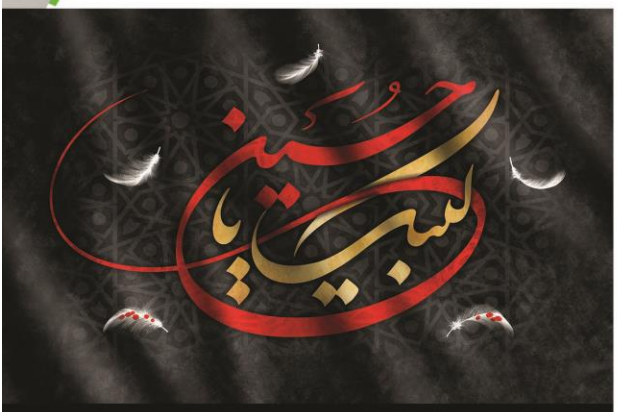

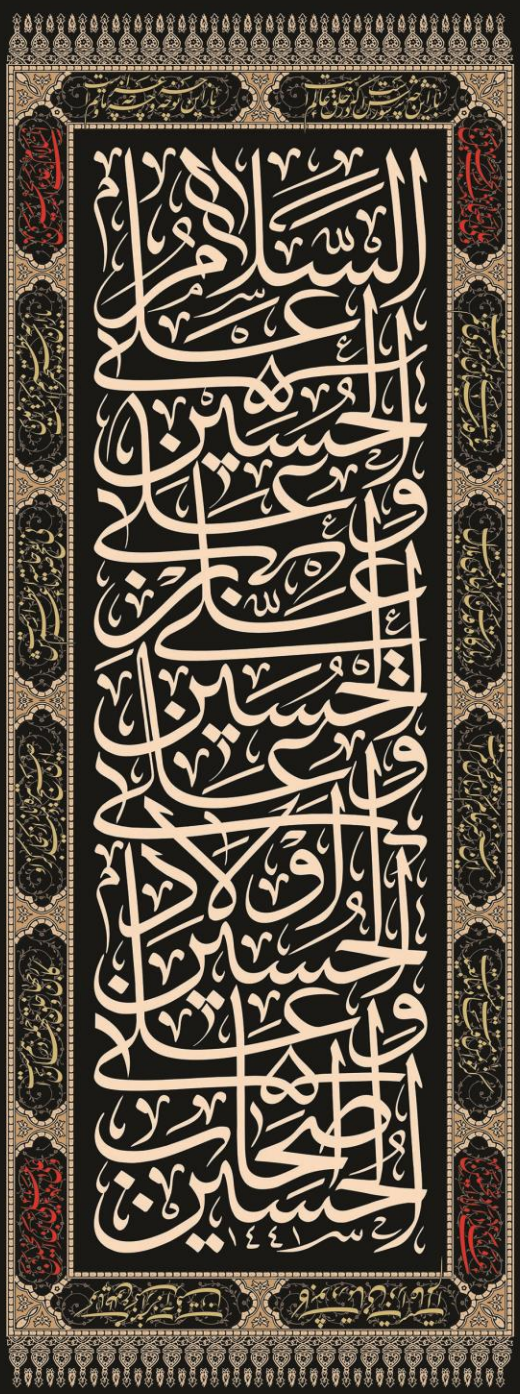

آیت الله رضا استادی
عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

عزاداری‌ها باید در مردم تحول روحی و معنوی ایجاد کند

آیت الله رضا استادی در نشست های تخصصی «در مدرسه عاشورا» که به صورت مجازی از شبکه تلویزیون رواق میقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت برگزار شد، اظهار کرد: برای تشکیل مجالسی به نام امام حسین (ع)، بسیار سفارش شده است که این مجالس باید وجود داشته باشد؛ ائمه اطهار فرموده‌اند ما این مجالس را دوست داریم. علما و مراجع و بزرگان همیشه هم خودشان مجلس عزاداری سیدالشهدا را برپا می کرده، همچنین بر برگزاری این مجالس در هر شرایطی سفارش می‌کردند. این عزاداری و تشکیل مجالس به نام امام حسین (ع)، چه در محرم و صفر و چه در موارد دیگر بسیار مهم است.

هر مسأله مهمی که در مکتب تشیع و اسلام مطرح است، شاید سئوال اول این باشد که این اهمیت برای چیست و چه هدفی از این کار است، به طور کلی عبادات، اعمال صالح و کارهای خیری که در اسلام مطرح هستند، همیشه سئوال شده؛ هدف چه بوده است؟ خودشان بیان کرده‌اند که این‌ها اهدافی دارد. زیرا فرق است بین اینکه ما صورت عمل را انجام دهیم یا دنبال آن اهداف هم باشیم؛ اگر دنبال آن اهداف باشیم، هر چه به آن اهداف نزدیکتر شویم، ارزش کار و اثر کار ما بیشتر می‌شود و اگر دنبال آن اهداف نباشیم، عملی انجام شده است، خوب است، ثواب هم دارد، اما به آن هدفی که منظور بوده، توجه نشده است.

وقتی به ما بگویند، نماز بخوانید خودشان هم هدف را بیان می‌کنند، هدف این است که ناهی از فحشا و منکر باشد؛ هر کس نماز صحیح می‌خواند هرچند حواسش در نماز جمع نباشد نماز است؛ اما آیا اثری هم دارد؟ شکی در آن نیست؛ اثر آن نماز باید، ما را از گناه و منکرات دور کند؛ هر مقدار نماز به این اهداف نزدیک‌تر باشد، ارزش و اثر آن در جامعه زیادتر است. روزه و حج هم همینطور است. حج یکی از وظایفی است که به عهده بعضی می‌آید، منظور اصلی این است که قبل و بعد از سفر فرق کرده باشد. کل واجبات، عبادات، اعمال حتی در غیر عبادات ظاهری و ازدواج همینطور است.

یکی از مواردی که بسیار روی آن تکیه می‌شود همین مجالس عزاداری امام حسین(ع) است؛ باید برای مردم مطالب صحیح گفت تا در این مجالس اعتقادات مردم محکم شود؛ در این مجالس مردم باید با مسائل اخلاقی، حلال و حرام و احکام شرع آشنا شوند. کسی که در این جلسات شرکت می‌کند، اصل شرکت خوب است، ولی اگر شرکت این رنگ را داشته باشد که در عمل به امام حسین (ع) عرض کند من برای تجدید میثاق آمده‌ام، اگر بنا بوده است که با شما عهد و پیمانی داشته باشم، از آن پیمان سست شده باشد، می‌خواهم در این ایام، در شرکت در این مجالس، آن میثاق را محکم کنم.
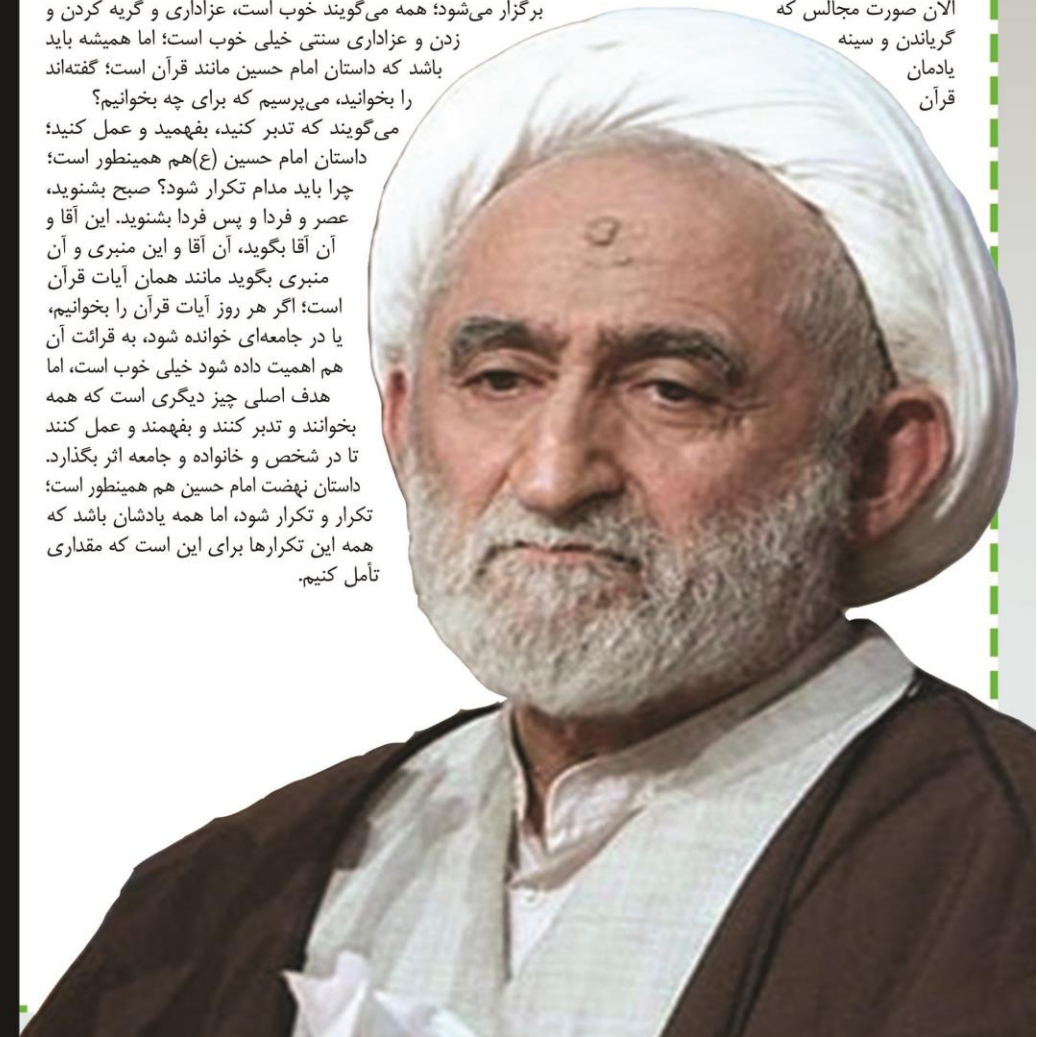
الان صورت مجالس که برگزار می‌شود؛ همه می‌گویند خوب است، عزاداری و گریه کردن و گریاندن و سینه زدن و عزاداری سنتی خیلی خوب است؛ اما همیشه باید یادمان باشد که داستان امام حسین مانند قرآن است؛ گفته‌اند قرآن را بخوانید، می‌پرسیم که برای چه بخوانیم؟ می‌گویند که تدبر کنید، بفهمید و عمل کنید؛ داستان امام حسین (ع)هم همینطور است؛ چرا باید مدام تکرار شود؟ صبح بشنوید، عصر و فردا و پس فردا بشنوید. این آقا و آن آقا بگوید، آن آقا و این منبری و آن منبری بگوید مانند همان آیات قرآن است؛ اگر هر روز آیات قرآن را بخوانیم، یا در جامعه‌ای خوانده شود، به قرائت آن هم اهمیت داده شود خیلی خوب است، اما هدف اصلی چیز دیگری است که همه بخوانند و تدبر کنند و بفهمند و عمل کنند تا در شخص و خانواده و جامعه اثر بگذارد. داستان نهضت امام حسین هم همینطور است؛ تکرار و تکرار شود، اما همه یادشان باشد که همه این تکرارها برای این است که مقداری تأمل کنیم.